



## گرانی‌ها و هرج و مرج توزیع نان



موج جدیدی از افزایش بهای کالاها و خدمات از اوایل خرداد ماه آغاز شده است. در این میان آنچه بیش از همه خبرساز شده و رژیم را به تکاپوی انکار واداشته، افزایش بهای، کمیود و صف‌های طولانی نان است. طرح دولتی موسوم به "هوشمند سازی و اصلاح نظام پرداخت پیرانه آرد و نان" نیز همانند دیگر طرح‌های دولت، به شکست کامل انجامیده است. در چند روز اخیر در صفحه ۴

## "چه دار باشه چه زندان، ایستاده ایم تا پایان"

در کنار گزارش عفو بین الملل، "سازمان حقوق بشر ایران" نیز، از اعدام دست کم ۱۴۲ نفر فقط در ماه گذشته خبر داده است. وب سایت "حال و ش" که اخبار مربوط به سیستان و بلوچستان را پوشش می دهد نیز، اعلام کرده است که فقط در یک ماه گذشته ۴۴ شهروند بلوچ در ۱۳ زندان ایران اعدام شده اند.

بر اساس گزارشات موجود، دو سوم از مجموعه اعدام هایی که در پنج ماه اول سال ۲۰۲۳ در ایران صورت گرفته است، در شمول اعدام هایی هستند که "بر پایه اتهامات مرتبط با مواد مخدر به دار آویخته" شده اند. اعدام هایی که عموماً افراد حاشیه نشین و فقیر را در بر می گیرد. چون این تعداد از اعدام شدگان، اکثراً از حقوق شان آگاه نیستند و همچنین به دلیل شرایط بد در صفحه ۱۰

روند قتل های حکومتی در ایران تحت عنوان اعدام، پرشتاب ادامه دارد. ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی طی هفته ها و ماه های اخیر آنچنان شتاب گرفته است که سازمان عفو بین الملل، روز جمعه ۱۲ خرداد ۱۴۰۲ (دوم ژوئن)، در جدیدترین گزارش خود تحت عنوان "جنون اعدام" در ایران، اعلام کرد، مقامات جمهوری اسلامی از ابتدای سال جاری میلادی تا کنون ۲۸۲ نفر را به عناوین مختلف اعدام کرده اند که میزان آن نسبت به همین بازه زمانی در سال گذشته حدود دو برابر شده است. از این تعداد اعدامی ها، دست کم ۱۷۳ نفر در پی محاکمه های "طبق معمول ناعادلانه" بر پایه اتهاماتی مرتبط با جرائم مواد مخدر به دار آویخته شده اند، که در قیاس با مدت مشابه در سال گذشته، حدوداً سه برابر است.

## روایت ابتر و توام با دروغ مرتضوی زنجانی از زندان های دهه ۶۰

چرا در این شرایط در کلاب هاوس حضور یافت و در رابطه با این موضوع صحبت کرد؟ حسین مرتضوی زنجانی همان طور که خود وی در کلاب هاوس گفت حداقل از تابستان ۶۰ در زندان اوین حضور داشت. وقتی در رابطه با اعدام های گسترده زندانیان در تابستان و پاییز سال ۶۰ که گاه در یک شب از ۱۰۰ نفر نیز گذر می کرد صحبت می کند و می گوید وقتی برای اولین بار صدای تیرباران زندانیان سیاسی را شنید تصور کرده بود "صدای رعد و برق" در صفحه ۷

اخیراً حسین مرتضوی زنجانی رئیس زندان های اوین و گوهردشت در دهه ۶۰ از جمله در مقطع کشتار سراسری زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، در یکی از اتاق های کلاب هاوس به عنوان سخنران حضور یافت و مطالبی در رابطه با زندانیان و زندان در دهه ۶۰ عنوان کرد که بویژه در شبکه های اجتماعی و رسانه های فارسی زبان خارج از کشور انعکاس نسبتاً گسترده ای یافت. حسین مرتضوی زنجانی کیست، در کلاب هاوس چه گفت، اهمیت سخنان وی در چیست و اساساً در صفحه ۲

## سقف انتظارات از سازمان جهانی کار

صد و یازدهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار ( I.L.O ) International Labour Organization در روزهای پنجم تا شانزدهم ژوئن ۲۰۲۳ در مقر این سازمان واقع در ژنو برگزار می شود. برگزاری این اجلاس، دست کم طی چند سال اخیر همواره با تحرکات افشاگرانه ای در مقابل دفتر I.L.O همراه بوده و تجمعاتی نیز در اعتراض به حضور هیئت های نمایندگی جمهوری اسلامی برگزار شده است. امسال نیز جمعی از فعالان کارگری، فعالان سیاسی و پناهندگان ایرانی اعلام کردند در اعتراض به حضور هیئت های نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس و با خواست آزادی کارگران و معلمان زندانی و متوقف شدن اعدام معترضان در ایران، روز جمعه ۹ ژوئن تجمع اعتراضی در میدان Place des Nations ژنو برگزار خواهند کرد. در این فراخوان از اتحادیه های کارگری درخواست شده به هر نحو که می توانند از جمله با ارسال پیام و یا با حضور و سخنرانی در این تجمع، همبستگی طبقاتی خود را با کارگران ایران که از حقوق بنیادی خود از جمله حق ایجاد تشکل و انعقاد پیمان های دسته جمعی (مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار) محروم شده اند، اعلام نمایند.

تاکنون چندین سندیکا و اتحادیه کارگری از تظاهرات و تجمع ۹ ژوئن در ژنو حمایت کرده اند. از جمله کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار (CFDT) فرانسه، کنفدراسیون عمومی کار (CGT) فرانسه، فدراسیون اتحادیه های کارگری متحد (FSU) فرانسه، اتحادیه کارگری همبستگی (Solidaires) فرانسه، اتحاد کشوری اتحادیه های کارگری مستقل (UNSA) فرانسه، سندیکای سندیکای ژنو CGAS سوئیس، سندیکای خدمات عمومی ژنو (SSP) سوئیس، کنفدراسیون عمومی کارگران (IGCL) ایتالیا، پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد - ایران و اتحادیه کارگران خدمات دولتی (PCS) انگلستان.

تجمع هرساله در مقابل I.L.O بویژه حضور و جلب نظر اتحادیه های کارگری و نیز افکار عمومی، نقش مهمی در افشای سیاست های ضد کارگری جمهوری اسلامی داشته است. فعالان سیاسی و کارگری و نمایندگان اتحادیه های کارگری از کشورهای مختلف، مستقل از

## سقف انتظارات از سازمان جهانی کار

I.L.O. و تصمیمات آن که تأثیری در بهبود موقعیت کارگران نداشته و ندارد، آزادانه در این تجمعات بحث و تبادل نظر و سخنرانی می‌کنند، نقض حقوق دموکراتیک کارگران ایران و عدم پایبندی جمهوری اسلامی به مقاله نامه‌های I.L.O. را افشا می‌کنند، بازداشت و سرکوب و حبس کارگران و معلمان و سایر زندانیان سیاسی و اعدام‌ها را محکوم می‌کنند و با این کارزار تبلیغاتی بزرگ، همبستگی طبقاتی خود را با کارگران ایران اعلام می‌دارند.

همزمان با این تلاش مثبت و اقدام مستقلانه در بیرون از اجلاس I.L.O. اما دیگرانی نیز هستند که مرکز توجه و فعالیت خود را، اجلاس I.L.O. و تصمیمات آن قرار می‌دهند و با ارسال نامه و طومار از I.L.O. یا هیئت‌مدیره آن می‌خواهند هیئت‌های کارگری اعزامی جمهوری اسلامی و با اساساً دولت جمهوری اسلامی را از I.L.O. و اجلاس آن اخراج کنند. برای نمونه چند "تشکل" در نامه‌های خطاب به هیئت‌های نمایندگی شرکت‌کننده در یکصد و یازدهمین اجلاس سازمان جهانی کار، از هیئت‌های نمایندگی اتحادیه‌های کارگری شرکت‌کننده در اجلاس خواسته‌اند، سرکوب و نقض حقوق کارگران، نقض حق تشکل و برپایی تجمع را محکوم و اعتراض خود را نسبت به اقدامات سرکوب گرانه دولت ایران، به هیئت نمایندگی دولت ایران اعلام کنند. همچنین در دو بند خواستار این شده‌اند که هیئت‌های کارگری شرکت‌کننده در اجلاس "در راستای تصویب و اجرای کردن؛ الف) رفع فوری و بی‌قید و شرط تمامی اتهامات منتسب شده به تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمامی کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی زندانی و دستگیرشدگان جنبش زن زندگی آزادی و همه زندانیان سیاسی و لغو فوری اعدام‌ها.

ب) اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و عدم اجازه به هیئت این حکومت برای شرکت در اجلاس، تمام تلاش خود را به کاربندند."

دیگرانی نیز پیداشده‌اند که با ارسال نامه و طومار به "هیئت‌مدیره" I.L.O. ضمن اشاره به نقض حقوق پایه‌های کارگران و معلمان، از هیئت‌مدیره I.L.O. خواسته‌اند، هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران را از اجلاس I.L.O. اخراج کند.

اینکه هیئت‌های کارگری اجلاس I.L.O. نقض حقوق کارگران ایران را محکوم کنند شاید اقدام مثبتی باشد گرچه نمی‌تواند مصوبه اجلاس باشد و در هر حال هیچ تأثیری در تغییر و بهبود وضعیت و رعایت حقوق کارگران ایران ندارد. اما اینکه اعتراض به سرکوب و نقض حقوق کارگران توسط دولت ایران به نمایندگان دولت ایران حاضر در اجلاس اعلام شود، یک حرف و عمل کاملاً بی‌معنی است. افزون بر این چنین تصویری که هیئت‌های کارگری I.L.O. آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو فوری اعدام‌ها و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را (بند الف و ب) به تصویب برسانند و بالاتر از

آن اجرایی کنند، حاکی از بی‌اطلاعی مطلق از سازوکار I.L.O. و اظهار نظرهایی به‌کل بی‌ربط با ساخت و بافت این سازمان است. همچنین انتظار اینکه "هیئت‌مدیره" این سازمان هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی را از این سازمان اخراج کند، انتظاری بی‌بوده و به‌کل غیرواقعی است.

این تیپ اظهار نظرها از زبان این قبیل نیروها و "تشکل‌ها" حاکی از آن است که این‌ها یا از ساختار سازمان جهانی کار، مکانیسم‌های درونی آن، نحوه تصمیم‌گیری‌ها و ماهیت و نقش واقعی آن به‌کل بی‌اطلاع‌اند، یا دست‌کم نسبت به این نهاد بین‌المللی توهم دارند. با وجود آنکه در سال‌های گذشته مقالات متعددی در نشریه کار در این مورد به چاپ رسیده است، اما چنین به نظر می‌رسد که یکبار دیگر باید نکاتی را در این زمینه، از جمله شرایط شکل‌گیری I.L.O. ترکیب هیئت‌های شرکت‌کننده در آن، نقش دولت‌ها، سیاست‌گذاری I.L.O. در سطح کلان و سرانجام ماهیت و نقش این سازمان یادآوری نمود.

تاکنون بارها و بارها احزاب و سازمان‌های سیاسی به‌ویژه تشکل‌های مستقل کارگری، از طریق نامه‌ها و طومارها و اسناد غیرقابل‌انکاری که در اختیار سازمان جهانی کار قرار داده‌اند، نسبت به نقض فاحش حقوق دموکراتیک کارگران، آزار و شکنجه فعالان کارگری و سندیکیایی، عدم پایبندی دولت جمهوری اسلامی به مقاله نامه‌های این سازمان هشدار داده و به‌قدر کافی اطلاع‌رسانی نموده‌اند. به‌رغم اینکه سال‌هاست I.L.O. به‌خوبی از این مسائل آگاه است اما حتی یک گام عملی به سود کارگران ایران برنداشته است. این بی‌توجهی و ناکارآمدی، از کمبود اطلاعات در مورد وضعیت حقوقی کارگران ایران و مشکلات آن‌ها نیست بلکه برخاسته از ماهیت این نهاد، ترکیب و مکانیسم‌های درونی آن است. بی‌بوده نیست که علی‌نجاتی و رضا شهبانی در نامه خود نمایندگان کارگری حاضر در اجلاس را مورد خطاب قرار می‌دهند و نه سازمان جهانی کار را. رضا شهبانی در نامه سرگشاده خود ضمن توضیح وضعیت کارگران و نقض مقاله نامه‌های I.L.O. توسط جمهوری اسلامی، از کارگر تحت حاکمیت نظامی سخن می‌گوید که از بدو تأسیس علیه کارگران شمشیر از رو بسته است "کارگری که نعتها صدایی در اجلاس‌های جهانی که به نامش برگزار می‌شوند ندارد، بلکه می‌بیند که این نهاد نیز به اشغال همان بانیان شرایط اسفبار زندگی او درآمده است."

این نظر صریح یک کارگر آگاه در مورد سازمان جهانی کار است. حال ببینیم این سازمان چه زمانی و بر بستر چه شرایطی به وجود آمد و مکانیزم درونی آن چیست.

اوایل قرن بیستم، سرمایه‌داری جهانی با یک بحران عمیق اقتصادی روبرو شد. تشدید این بحران و رقابت فزاینده دولت‌های امپریالیستی، منجر به جنگ جهانی اول (۱۸-۱۹۱۴) شد. بحران و جنگ امپریالیستی علاوه بر

ویرانی‌های عظیم و ده‌ها میلیون کشته و زخمی، در عین حال شورش‌ها، قیام‌ها و انقلابات متعددی را نیز در پی داشت. با انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و حاکمیت شوراهای انقلابات کارگری، قیام‌ها و اعتصابات کارگری و تشکیل شوراهای کارگری، بسیاری از کشورهای اروپایی را فراگرفت. شرایط انقلابی و تأثیرات بلا انکار انقلاب اکتبر و حکومت شوراهای بورژوازی تمام کشورهای امپریالیستی را به وحشت افکند. سرکوب خونین کارگران، نخستین واکنش بورژوازی این کشورها بود. بورژوازی امپریالیستی، برای سرکوب و مهار انقلابات و قیام‌های کارگری اما تنها به‌زور تفنگ و اسلحه اکتفا نکرد، بلکه همراه با سرکوب مستقیم، به اعطای برخی "امتیازات" جزئی و همزمان قبولاندن و تحمیل قواعد نظام سرمایه‌داری بر کارگران و بازی در زمین آن نیز روی آورد. با خاموش شدن آتش جنگ جهانی اول، کارگران آمریکا و اروپا وسیعاً به مبارزه و طرح مطالبات خود پرداختند. بخش‌هایی از کارگران و اتحادیه‌های کارگری آمریکا و اروپا نیز، خواستار ایجاد یک‌نهاد بین‌المللی بودند که مطالبات آن‌ها پذیرفته و رسمیت داده شود، هرچند که در نهایت آن‌طور که این اتحادیه‌ها می‌خواستند نشد و بسیاری از مطالبات آن‌ها نیز مورد پذیرش قرار نگرفت. براین زمینه‌ها، در سال ۱۹۱۹ سازمان بین‌المللی کار (I.L.O.) تأسیس گردید تا با تصویب یک‌رشته قوانین مشترک برای کشورهای سرمایه‌داری و به رسمیت شناختن حقوق پایه‌ای کارگران، مبارزات گسترش یابنده کارگران را مهار و خطر انقلابات و قیام‌های کارگری را کاهش دهد و یا آن را خنثی کند. دول بزرگ سرمایه‌داری اگرچه از ترس انقلابات کارگری در این کشورها و البته برای بقاء نظم سرمایه‌داری، این سازمان را تشکیل دادند، اما برخی از خواسته‌ها و مطالبات مربوط به حقوق اولیه و پایه‌ای کارگران را نیز در قوانین خود و به‌تدریج در مقاله نامه‌های این سازمان پذیرفتند.

در کنفرانس صلح ورسای که سال ۱۹۱۹ در فرانسه تشکیل شد، کمیسیون مرکب از ۱۵ عضو به نام "کمیسیون حقوق بین‌المللی کار" انتخاب شد و همین کمیسیون که ریاست و رهبری آن را ساموئل گامپرس رئیس فدراسیون کارگری آمریکا (AFL) که در عین حال دست‌نشانده دولت آمریکا بود مقررات و معیارها و ضوابط این سازمان را تهیه و تنظیم نمود. در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، هدف از تأسیس این سازمان چنین بیان شده است: "تلاش اصلی این سازمان حمایت از حقوق بنیادی انسان‌ها، بهبود شرایط کار و زیست بوده است. I.L.O. در حقیقت برای ایجاد اتحاد بین دول، کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری به‌منظور اقدامی مشترک برای تضمین منافع هر سه گروه فوق و تحقق عدالت اجتماعی تأسیس شده است."

نیازی به توضیح نیست که "عدالت اجتماعی" مبتنی بر "تضمین منافع" سه گروه سرمایه‌داران و دولت آن‌ها و کارگران حرف بی‌ربطی است و در واقع تمام تلاش‌های I.L.O. معطوف به سازش طبقاتی و حفظ نظم سرمایه‌داری بوده است ضمن آنکه در کلیه سازوکارها و جلسات و بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و مصوبات این نهاد نیز

## سقف انتظارات از سازمان جهانی کار

استثمارگران و دولت آن‌ها، دست بالا و نقش تعیین‌کننده داشته‌اند و دارند.

در اجلاس‌های سالانه سازمان جهانی کار که اکنون ۱۸۷ کشور عضو آن هستند، از هر کشور عضو، یک هیئت ۴ نفره مرکب از ۲ نفر نماینده دولت، ۱ نفر نماینده کارفرمایان و ۱ نفر نماینده کارگران شرکت می‌کنند. البته هر نماینده می‌تواند دو نفر را نیز به‌عنوان مشاور همراه داشته باشد. این ترکیب، ۳ به ۱ به سود سرمایه‌داران است و بنابراین کلیه تصمیمات و مصوبات اجلاس‌های سالانه I.L.O نیز تابع همین نامعادله است. حتی اگر تمام هیئت‌های نمایندگی کارگری نه از جنس خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که کارگزار و نوکر دولت و طبقه سرمایه‌دار هستند، بلکه نمایندگان واقعی کارگران باشند، باز هم قادر نیستند قطعنامه و یا موضوعی را به سود کارگران به تصویب برسانند. باید اضافه کرد که دولت‌ها نه فقط ۲ رأی دارند در قبال ۱ رأی کارگران و ۱ رأی کارفرمایان، بلکه نمایندگان کارگری (و کارفرمایان) نیز باید توسط دولت‌ها تأیید و به I.L.O معرفی شوند. مطابق ماده ۱۳ اساسنامه I.L.O مرجع صالحی که باید نام و اعتبارنامه نمایندگان کارگری (و کارفرمایی) هر کشور عضو را به I.L.O اطلاع دهد و آن‌ها را معرفی کند، دولت آن کشور است. بر طبق همین مقررات است که حضور افرادی از شوراهای اسلامی کار یا خانه کارگر در اجلاس‌های سالیانه I.L.O توجیه می‌شود. بنابراین صرف‌نظر از اینکه دولت‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند چه کسانی در این اجلاس‌ها شرکت کنند، اما حتی حضور نمایندگان واقعی کارگران نیز در این ترکیب نمی‌تواند منشأ اتخاذ تصمیمی به سود کارگران باشد و کارگران نمی‌توانند در تصمیمات این نهاد نقشی ایفا کنند.

بی‌نقشی کارگران فقط در تصمیمات و مصوبات اجلاس‌های این نهاد نیست، در اداره امور اجرایی این نهاد، نمایندگان کارگران از این هم بی‌اثرتر و بی‌نقش‌ترند. سازمان بین‌المللی کار از طریق یک هیئتمدیره یا شورای مدیریت ۵۶ نفره مرکب از ۲۸ نفر از نمایندگان دولت‌ها، ۱۴ نفر از نمایندگان کارفرمایان و ۱۴ نفر از نمایندگان کارگران، تمام امور اجرایی این نهاد را پیش می‌برد. قابل‌ذکر است که ۱۰ کرسی از ۲۸ کرسی نمایندگان دولت‌ها، به‌طور دائمی به کشورهای مهم صنعتی (بخوان امپریالیستی) اختصاص یافته است و ۱۸ کرسی دیگر را نمایندگان دولت‌ها، هر سه سال یکبار انتخاب می‌کنند. به عبارت صریح‌تر، رهبری و هدایت سیاسی و تمام سیاست‌گذاری‌های کلان سازمان جهانی کار در اساس در دست دولت‌ها و به‌طور خاص‌تر در دست دولت‌های امپریالیستی است. بنابراین روشن است که این سازمان جز یک ابزار بین‌المللی برای پیشبرد سیاست‌های سرمایه جهانی نیست.

پرسش این است که مقاله نامه‌های مصوب I.L.O در خصوص حقوق پایه‌ای کار، آیا در همه کشورهای عضو این سازمان، به مرحله اجرا گذاشته شده است یا نه؟ و اگر در یک کشور

اسلامی کار، "وضعیت جاری" در این تشکلهای را، ناقض مفهوم آزادی‌های مندرج در مقاله نامه ۸۷ این سازمان دانست و "آزاد" بودن و "مستقل" بودن این تشکلهای را زیر سؤال برد. در ادامه آن پیرامون تسهیل شرایط شکل‌گیری انجمن‌های صنفی توافقاتی میان وزارت کار و هیئت اعزامی I.L.O در اردیبهشت ۸۲ صورت گرفت. صرف‌نظر از اینکه این توافقات، گرایش راست درون جنبش کارگری را به تمجید گران و شیفته‌گان جبهه دوم خرداد بدل ساخت، اما زمان زیادی به درازا نکشید که در مهر سال ۸۳ "تاپیولار" سرپرست هیئت اعزامی I.L.O به ایران، پس از دیدار و گفتگو با مسئولان وزارت کار و تشکلهای فوق و توافق با آن‌ها، چنین اظهارنظر کرد که: "مهم نیست این تشکلهای کارگری چه نامیده می‌شوند، بلکه مهم این است که از سوی دولت و کارفرما به رسمیت شناخته شوند". بدین ترتیب سرپرست هیئت اعزامی I.L.O با تأیید شوراهای اسلامی کار، اعم از اینکه به انجمن صنفی تغییر نام داده باشند یا نه، "آزاد" بودن و "مستقل" بودن موردنظر I.L.O در زمینه تشکلهای آزاد و مستقل کارگری را نیز بر عموم کارگران ایران روشن ساخت. در تمام طول این سال‌ها (۲۰ سال) نیز تعدادی از اعضای همین تشکلهای جاسوسی دولتی تحت عنوان نماینده کارگران ایران به نشست‌های سالانه I.L.O اعزام شده‌اند و I.L.O نیز آن‌ها را با آغوش باز پذیرفته و بر "نمایندگی" آن‌ها مهر تأیید زده است!

بنابراین در ماهیت بورژوازی سازمان جهانی کار و نقش آن در دفاع از منافع سرمایه جهانی جای هیچ تردیدی وجود ندارد.

تجارب جنبش کارگری ایران، به‌ویژه سیاست‌ها و عملکرد I.L.O در قبال این جنبش، به همه کارگران آموخته است و بیش‌ازپیش می‌آموزد که باید دست از زانوی خود بگیرند و روی پای خود بایستند. چراکه از این امام‌زاده هیچ معجزه‌ای برای کارگران ساخته نیست و دخیل بستن به آن بی‌ثمر است. تمرکز فعالیت‌ها باید خارج از I.L.O و فرای آن باشد و استوار بر همبستگی طبقاتی کارگران. کارگران ایران و همه کشورها باید اتحاد و همبستگی خود را مستقل از قواعد و معیارهای I.L.O در سطح داخلی و بین‌المللی محکم‌تر سازند و مبارزه علیه طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه را تشدید کنند. تنها از طریق اتحاد و همبستگی و مبارزه متشکل است که می‌توان سرمایه‌داران کشورهای مختلف عضو یا غیر عضو سازمان جهانی کار را وادار به عقب‌نشینی کرد. باید کار را با نظام گنبدیده سرمایه‌داری یکسره ساخت و مسیر برپایی جهانی دیگر، جهانی بدون استثمار و طبقات را هموار کرد.

فرضی عضو این سازمان، مثلاً جمهوری اسلامی، این مقاله نامه‌ها اجر نشود - که نمی‌شود - آیا سازمان جهانی کار مکانیسمی برای کنترل و اراده‌ای برای وادار نمودن آن به رعایت تعهدات و اجرای مقاله نامه‌های این سازمان دارد؟ آیا جز این است که سازمان جهانی کار در بهترین حالت می‌تواند اجرای مقاله نامه‌های خود را به دولت کشورهای عضو فقط توصیه کند؟ تجربه بیش از صد و ده سال حیات و فعالیت این سازمان بین‌المللی پرسروصدا نشان داده و ثابت نموده است که از این سازمان جهانی، بیش از این کاری ساخته نیست!

I.L.O البته ممکن است گاه به این یا آن کشور عضو، به خاطر نقض مقررات و قوانین مربوط به حقوق پایه‌ای کارگران و یا عدم رعایت مقاله نامه‌های مصوب خود، فشارهایی وارد ساخته و از دولت آن کشور خواستار پاسخگویی شود. اما سیاست اعمال فشار I.L.O بر این یا آن کشور مفروض نیز در اساس نه از جنبه دفاع از حقوق کارگران، بلکه در راستای منافع سیاسی و اقتصادی درازمدت و پیشبرد سیاست‌های سرمایه جهانی است. اگر این منافع و سیاست‌ها اقتضا کند، فشارهای سیاسی I.L.O بی‌فروغیت جای خود را به زد و بندهای رایج با این دولت‌ها که نمونه آن را در مورد دولت جمهوری اسلامی شاهد بوده‌ایم، می‌سپارد.

جنبش کارگری ایران و تشکلهای مستقل کارگری معامله هیئت اعزامی سازمان جهانی کار و سازش این سازمان با دولت جمهوری اسلامی را از یاد نبرده‌اند. سال ۸۱ پس از درخواست رسمی صفر حسینی وزیر کار وقت در نودمین اجلاس I.L.O، این سازمان نیز هیئتی را به سرپرستی "برنارد جرنیگان" در همراه همان سال به ایران اعزام نمود تا از "تشکلهای کارگری" موجود، شناخت و ارزیابی دقیق‌تری به دست آورد، درجه انطباق شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر را با معیارهای I.L.O و مفاد مقاله نامه ۸۷ این سازمان بسنجد و شرایط ایجاد تشکلهای جدید را نیز موردبررسی قرار دهد. دارو دسته‌ای که در آن مقطع قوه اجرایی را در دست داشت بر این باور بود که شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر عمر مفید خود را از دست داده‌اند و دیگر نمی‌توانند نیازها و منافع سرمایه را در محیط کار و مناسبات مربوطه، مانند گذشته تأمین کنند و کار آبی خود را در این زمینه از دست داده‌اند. هیئت اعزامی I.L.O پس از دیدارهای متعدد با مسئولان وزارت کار، خانه کارگر و شوراهای

زنده باد، همبستگی بین المللی کارگران

## گرانی‌ها و هرج و مرج توزیع نان



برای افزایش قیمت نان داده‌اند؟ گفت: "از وجود چنین درخواستی اطلاع ندارم اما با اطمینان می‌گویم که هیچ افزایش قیمتی در نان و آرد وجود نداشته است."

مردم هرگونه گران‌فروشی بیش از نرخ مصوب را به شماره ۱۲۴ اطلاع دهند و مطمئن باشند که در کوتاه‌ترین زمان برخورد خواهد شد."

معاون اقتصادی استاندار تهران هم می‌گوید: "در حال حاضر در سطح استان تهران تعداد محدودی (قریب به ۱۰۰ واحد) نانوايي سنگک آزاد پز داریم که قیمت مصوبی ندارند و قیمت آن‌ها بر اساس عرضه و تقاضا مشخص می‌شود، اما قیمت نان در مابقی نانوايي‌ها که حدود ۴ هزار واحد یارانه‌ای هستند، همان قیمت مصوب سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ است و اگر این واحدها از این قیمت تخلف کنند، گران‌فروشی محسوب شده و تخلف است و از سهمیه آرد آن‌ها از طریق «سامانه نانینو» به‌صورت خودکار کم می‌شود."

خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های رژیم از شهرهای مختلف گزارش می‌دهند که قیمت نان به نسبت‌های مختلف افزایش یافته است، دولت اما همچنان با پروتئو ادعا می‌کند بهای نان افزایش نیافته است.

اما افزایش بهای نان تنها یک معضل مردم است. کمبود نان و آرد، صف‌های طولی جلوی نانوايي‌ها و بی‌کیفیتی نان به‌ویژه در نانوايي‌های یارانه‌ای معضل جدی دیگری است.

خبرگزاری فارس از مردمی که در صف‌های طولانی نان در قزوین ایستاده‌اند گزارش می‌دهد: "آقای خان مجدی یکی از شهروندان قزوینی است که در صف نانوايي بربری منطقه مینودر می‌گوید: مدتی است ساعت کاری نانوايي‌ها کم شده و همین موضوع باعث شده شاهد شکل‌گیری صف‌های طولانی در نانوايي‌ها باشیم. من کارمند هستم و دو فرزند خردسال دارم و با توجه به این شرایط، برای تهیه نان باید به چند منطقه و محله دیگر مراجعه کنم که در بیشتر مواقع یا نانوايي‌ها تعطیل شده‌اند و یا اینکه کیفیت نان آن‌قدر پایین است که مجبور می‌شوم از فروشگاه‌ها، نان بسته‌ای باقیمت آزاد خرید کنم."

در صف یکی از نانوايي‌های منطقه غیاث آباد که نان لواش پخت می‌کند، باخانم حسینی خانهدار و ساکن کوثر گفت‌وگو کردیم.

وی می‌گوید: از چند ماه گذشته پیدا کردن نان درصفحه ۵

می‌کنند." رئیس سابق اتحادیه نان سنگک تهران قبل از افزایش جدید بهای نان، هرج و مرج حاکم بر قیمت نان را به شرح زیر توضیح داد: "اگر به نانوايي‌های مختلف سر زده باشید، قطعاً باقیمت‌های متفاوتی مواجه خواهید شد، نان را از ۵ هزار تومان تا هر عدد ۴۰ هزار تومان می‌توانید، ببینید. این تفاوت قیمت را در بین قیمت نان سنگک و نان بربری بیشتر می‌توان دید. هرچند کیفیت آن‌ها تغییری نکرده است."

در یک نانوايي نان بربری کنجی ۱۰ هزار تومان در محله‌ای ۵ هزار تومان در یک محله ۱۲ هزار تومان است. اما قیمت نان سنگک خیلی بیشتر از این‌هاست. کف نان سنگک در اغلب نانوايي‌های ۱۰ هزار تومان است؛ در برخی نانوايي‌ها هنوز قیمت مصوب نان به دست مردم می‌رسد یعنی ۵ هزار تومان اما سقف قیمت این نان تا ۳۰ هزار تومان است. اگر نانوايي بروید هم می‌توانید نان ۳۰ تومانی بخرید. اگر همین نان را آنلاین بخرید باید ۴۰ هزار تومان هزینه کنید. او ادامه می‌دهد: یک نانوايي چطور نان سنگک را ۳ هزار تومان آن‌هم به قیمت سال ۱۴۰۰ بدهد. هزینه آرد که دولت به ما می‌دهد نهایت ۱۵ الی ۲۰ درصد هزینه‌های ما را پوشش می‌دهد. ۸۰ درصد هزینه‌های ما مطابق با بازار آزاد



حرکت می‌کند.

چرا دولت آب، برق، گاز، مالیات و بیمه را افزایش می‌دهد، ما نباید قیمت نان را افزایش دهیم. او می‌افزاید: دولت می‌خواهد هزینه هیچ‌چیز را ندهد و نانوايان را در مقابل مردم قرار دهد. به همین دلیل هم هست که قیمت نان را تاکنون رسماً گران نکرده است."

با این گرانی‌ها و حالا افزایش جدید قیمت‌ها، تکلیف نانوايي‌های آزاد پز، نان‌های بسته‌بندی، اسنپ‌فود، فانتزی و حجیم نیز روشن است.

مقامات دولتی اما خود را به نفهمی زده‌اند و پی‌درپی مصاحبه می‌کنند و می‌گویند نان گران نشده است. سرپرست دفتر بازرسی و نظارت بر کالاهای اساسی وزارت جهاد کشاورزی درباره اینکه آیا اتحادیه‌ها درخواستی به سازمان حمایت

در همان حال که بهای نان افزایش یافت، کمبود نان نیز به تشکیل صفوف طولانی جلوی نانوايي‌ها در برخی از شهرها منجر شده است.

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، دولت "از بهار سال گذشته اجرای طرح هوشمند سازی و اصلاح نظام پرداخت یارانه آرد و نان را آغاز کرد.... اما یک سال بعد از اجرای این طرح،



شرایط مطابق پیش‌بینی طراحان پروژه اصلاح نظام پرداخت یارانه نان پیش نرفت تا جایی که این روزها نان و تأمین آسان و باکیفیت آن به یکی از دغدغه‌های مردم تبدیل شده است." عواقب شکست این طرح افزایش بهای نان و هرج و مرج در توزیع آن بوده است.

رؤسای اتحادیه نانوايان شهرهای مختلف هم‌زمان تصمیم به افزایش قیمت نان گرفتند.

رئیس اتحادیه نانوايان قزوین در گفت‌وگو با خبرنگار همین خبرگزاری در قزوین اظهار کرد: "قیمت‌های جدید انواع نان از امروز پنجشنبه در راستای جبران بخشی از هزینه‌های جاری واحدهای نانوايي اعمال شد."

قیمت نان به‌طور متوسط ۲۹ تا ۳۰ درصد بیشتر شده که افزایش قیمت نان در راستای جبران هزینه‌های جاری از جمله دستمزد نانوايان انجام شده است."

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بجنورد، "نرخ جدید انواع نان یارانه و نیمه یارانه‌ای در خراسان شمالی اعلام شد."

بر این اساس قیمت نان از امروز در نانوايي‌های بجنورد مرکز خراسان شمالی با افزایش همراه خواهد بود. این افزایش‌ها حدوداً ۳۰ تا ۳۲ درصدی است و صرفاً مربوط به نانوايي‌های یارانه‌ای و نیمه یارانه‌ای می‌شود و شامل نانوايي‌های آزاد پز نمی‌شود."

گزارش‌های دیگر روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها نیز حاکی است که نرخ‌های اعلام‌شده دولتی نه درجایی اجرا می‌شود و نه نانوايي‌ها به آن اهمیت می‌دهند. همین خبرگزاری‌ها از افزایش بیشتر بهای نان گزارش دادند: "قبلاً این گران‌فروشی‌ها به بهانه نان کنجی، کنجی یک رو و دو رو بود، اما مدتی است که برای نان معمولی هم رقم بیشتری معادل یک نان کنجی + نایلون دریافت

کار، نان، آزادی، حکومت شورایی



## گرانی‌ها و هرج و مرج توزیع نان

کار سختی شده است. نانوبی‌ها به‌خصوص نانوبی‌های لوآشی قبل از ساعت ۲ کار خود را تعطیل می‌کنند و به همین خاطر مردم مجبور می‌شوند برای خرید نان یکی دوساعتی در صف



باشند. نانوبیان اما می‌گویند آرد نیست و بی‌کیفیت است و علاوه بر این دولت باید ببیند چرا خرید نان توسط مردم افزایش یافته است. سرپرست فرمانداری شهرستان قزوین نیز از شکست طرح دولت می‌گوید و ادامه می‌دهد: «این طرح، مشکلاتی را برای مردم ایجاد کرد که باید جبران شود. بنابراین شاهد کاهش سهمیه نانوبی و به تبع آن سهمیه آرد شهرستان بودیم که تاکنون جبران نشده است. به‌زودی برای تمام نانوبی‌های سطح شهرستان سهمیه جدید آرد اختصاص داده خواهد شد که با این کار مشکل توزیع آرد و کمبود نان برطرف می‌شود.» بالین‌همه اوضاع به روال چند هفته گذشته ادامه یافته است.

اما گرانی‌های این چند روز محدود به نان نبوده و گرانی نان با گرانی انواع دیگری از کالاهای موردنیاز مردم همراه بوده است. بهای مرغ چنان افزایش یافته که توده‌های زحمتکش مردم با دستمزد و حقوق ناچیز دیگر قادر به خرید آن نیستند. قیمت هر کیلو مرغ در نخستین روزهای خرداد امسال به ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. قیمت همین مرغ، در خردادماه ۱۴۰۰، ۲۸ هزار تومان بود.

بهای لبنیات نیز بار دیگر در این چند روز افزایش یافته است. خبرگزاری مهر می‌نویسد: «مراکز توزیع و عرضه اقلام لبنی و پروتئینی استان سمنان این بار بر روی قیمت لبنیات چنبره زده است. آن هم درست در سالگرد جراحی اقتصادی دولت که دقیقاً قبل از آن مرغ باقیمت ۲۵ هزار و ۹۰۰ تومان عرضه می‌شد و امروز قیمت همان محصول ۷۳ هزار تومان است. نیمه خردادماه ۱۴۰۰ بود که زمزمه‌های تغییر قیمت شیر از چهار هزار و ۵۰۰ تومان به شش هزار و ۵۰۰ تومان مطرح شد موضوعی که مردم را بسیار نگران کرده بود چراکه عقیده داشتند با افزایش قیمت شیر، محصولات لبنی



هزار تومان به فروش می‌رسد. بقیه میوه‌ها نیز بر همین منوال.

در همین حال بسیاری از کالاهای مورد نیاز دیگر بین ۵۰ تا صد درصد در همین چند روز اخیر افزایش قیمت داشته‌اند. از جمله

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی، می‌گوید: «به‌رغم عرضه مناسب، قیمت چای در روزهای اخیر افزایش یافت. طوری که قیمت بسته‌های نیم کیلویی از ۱۹۹ هزار و ۸۰۰ تومان به ۲۴۹ هزار و ۸۰۰ تومان رسید که یعنی هر کیلو چای خارجی حدود ۱۰۰ هزار تومان گران شده است.»

اگر قرار باشد به نمونه‌های دیگر از جمله افزایش حیرت‌آور اجاره‌بها و غیره نیز پرداخته شود، فراوان است، اما خوب است به مورد دیگری نیز اشاره شود که با مسئله مرگ و زندگی بخشی از مردم سروکار دارد و آن نایابی و گرانی وحشتناک داروهای است که موردنیاز بیماران، به‌ویژه بیماران خاص است. با تصویب لایحه جدید دولت از همان اسفندماه پیشاپیش روشن بود که از اوایل سال جدید بهای دارو چنان افزایش خواهد یافت که دیگر حتی بیماران خاص قادر به تأمین آن نیستند. چراکه دولت به‌شدت یارانه دارو را در لایحه بودجه کاهش داده بود.

یکی از اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در آن ایام گفته بود منابع پیش‌بینی‌شده برای دارو تنها برای ۴ تا ۵ ماه جوابگو خواهد بود.

«در قانون بودجه ۱۴۰۲، ۶۹ هزار میلیارد تومان برای دارو پیش‌بینی‌شده است درحالی‌که بر اساس اظهارات کارشناسان باید ۱۰۵ تا ۱۱۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته می‌شد اما متأسفانه این مبلغ نسبت به بودجه در نظر گرفته‌شده برای سال گذشته هم کمتر است و در حال حاضر نیاز است با توجه به تورم موجود و افزایش نرخ تمامی اقلام، این مبلغ به دو برابر افزایش یابد.» بنابراین بهای دارو شدیداً افزایش یافت و چند روز پیش اعلام شد داروهای پیوند کلیه، سرطان، و غیره باید به قیمت‌های صدها هزارتومانی و چندمیلیونی در بازار آزاد تهیه شود.

یکی از این بیماران در گفتگو با رسانه‌های رژیم می‌گوید: هزینه‌های داروی پیوند کلیه بالاست: هرروز تعدادی قرص سل سبت و چند نوع قرص دیگر به‌صورت ماهانه باید تهیه کنم. قدیم

در صفحه ۶

جهش پیدا خواهند کرد. اما حالا قیمت شیر در مغازه‌ها ۱۷ هزار تومان و قیمت شیر خام ۱۵ هزار تومان است آن‌هم در مدت دو سال! یعنی شیر چهار هزار و ۵۰۰ تومانی حالا ۱۵ هزار تومان است بیش از سه برابر؛ مردم اما می‌گویند در بازه زمانی خرداد ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۲ حقوق‌هایشان حتی نیم برابر هم بالا نرفته است و این سبب نا ترازوی شدید اقتصادی در سبد خانوار شده است.

تمامی کالاها بر اساس افزایش قیمتی که بر روی شیر خام صورت گرفته و درصد چربی بر اساس فرمول قیمت‌گذاری گران می‌شوند. به‌طور مثال ماست ۸۹ تومانی بازار ۱۲۰ هزار تومان شده است یعنی ۳۵ درصد افزایش قیمت بر این محصولات اعمال شده است.

گزارش‌های دیگر حاکی است که قیمت میوه‌های تابستانی ۱۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است. افزایش ۱۰۰ درصد، تیترا اغلب روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها در چند روز گذشته بود.

به گزارش سایت دیدبان ایران: «بر اساس اطلاعات قیمتی اتحادیه بازرگانی میوه و ترهبار تهران در میدان مرکزی میوه و ترهبار تهران که محل توزیع میوه به میداين و مغازه‌های سطح شهر است، قیمت هر کیلو توت سفید به قیمت ۱۰۰ هزار تومان و توت سیاه ۶۰ هزار تومان است. همچنین توت‌فرنگی درجه‌یک از ۵۵ هزار تا ۱۲۰ هزار تومان در این میدان فروخته می‌شود. قیمت زردآلو هم کیلویی ۷۰ هزار تومان است. در این میدان سبب باکیفیت ۵۵ هزار تومان است، موز هم تا ۶۰ هزار تومان عرضه می‌شود.»



ملون‌ها و هندوانه هم رشد قیمت زیادی دارند به‌طوری‌که هر کیلو ملون ۱۶ هزار و هندوانه ۱۸ هزار تومان فروخته می‌شود. گوجه‌سبز کیلویی ۷۰ هزار تومان و لیموشیرین ۴۶ هزار تومان است.

توجه کنید که این قیمت‌ها عمده‌فروشی است و طبق مجوزی که به مغازداران داده‌شده است آن‌ها پس از خرید از این محل ۳۵ درصد برای خرده‌فروشی اضافه می‌کنند، اما در بسیاری موارد رشد قیمت بیش از این‌ها است و گاهی به ۱۰۰ درصد می‌رسد. برای نمونه موز ۶۰ هزارتومانی در مغازه‌ها هر کیلو ۸۰ تا ۱۰۰

**پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر**

## گرانی‌ها و هرج و مرج توزیع نان

### کمک های مالی

کارگران جنوب	۱۰۰۰ یورو
<b>سوئیس</b>	
علی اکبر صفایی فراهانی	۳۰ فرانک
سیامک اسدیان (اسکندر)	۴۰ فرانک
حمید اشرف	۳۰ فرانک
محمد کاسهچی	۵۰ فرانک
امیر نبوی	۵۰ فرانک
<b>دانمارک</b>	
هوشنگ احمدی	۲۰۰ کرون
دکتر نریمینا	۲۰۰ کرون
خروش (مه)	۴۰۰ کرون
خروش (ژوئن)	۲۰۰ کرون
ایده - مسعود دانپالی	۵۰۰ کرون
<b>ایران</b>	
آبان ادامه دارد	۱ میلیون تومان
<b>آمریکا</b>	
مهسا	۲۵ دلار
از سیاهکل تا حکومت شورایی	۵۰ دلار
رفیق توکل حکومت شورایی	۱۰۰ دلار



یک‌قدهی ۷۰ درصد قرار داشته که بیشترین نرخ تورم در ۳۰ سال اخیر محسوب می‌شود. همچنین تورم ماهانه فروردین ۱۴۰۲ برابر با ۲ / ۵ درصد بوده است. این نرخ تورم در بازه ۲۴ سال گذشته بی‌سابقه بوده؛ به این معنا که در دو دهه اخیر، هیچگاه تورم ماهانه فروردین، به این سطح نبوده و همواره پایین‌تر از ۵ درصد به ثبت رسیده است.

اکنون با توجه به گرانی سرسام‌آور یک ماه اخیر، می‌توان گفت به‌زودی حتی مراکز رسمی رژیم ناگزیر خواهند شد خودشان ارقام بالای ۱۰۰ درصد را هم برای نرخ تورم و هم تورم مواد غذایی اعلام کنند. واقعیتی که هم‌اکنون نیز وجود دارد اما رژیم آن را پنهان می‌کند.

به گزارش اکو ایران: "طبق داده‌های ماه آوریل سال ۲۰۲۳، تورم مواد غذایی، ایران در کنار لبنان، آرژانتین و زیمبابوه جزو بدترین نرخ‌های تورم مواد غذایی در جهان محسوب می‌شود. بالاترین نرخ تورم مواد غذایی در جهان با رقم ۳۵۰ درصد به کشور لبنان اختصاص دارد. کشورهای آرژانتین و زیمبابوه نیز دارای نرخ تورم غذایی بالای ۱۰۰ درصد هستند. ایران با تورم نقطه‌ای ۷۸ درصد مرتبه چهارم بالاترین تورم مواد غذایی به خود اختصاص داده است."

اگر مراکز آمارگیری جمهوری اسلامی ارقام واقعی تورم را اعلام می‌کردند، بی‌تردید ایران پس از لبنان در دومین جایگاه قرار می‌گرفت. دو کشوری که جمهوری اسلامی ایران، مردم آن‌ها را به خاک سیاه نشانده است. با این گرانی‌های بی‌سابقه و تورم افسارگسیخته، آنچه در ایران در جریان است، مرگ تدریجی اکثریت بزرگ مردم ایران، کارگران و زحمتکشان است. در کشوری که حداقل دستمزد در روز ۴ دلار است و دستمزد و حقوق اکثریت بزرگ کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان حتی به ۱۰ دلار در روز نمی‌رسد، چگونه می‌توانند گوشت قرمز کیلویی ۳۰۰ و ۴۰۰ هزارتومانی و مرغ کیلویی ۱۰۰ هزارتومانی و لبنیات و میوه و سبزیجات با افزایش‌های گاه صد درصد بخزند. همه این‌ها از سفره زحمتکشان جمع شده است و پی آمد آن مرگ از گرسنگی، مرگ تدریجی است. مردم ایران باید بدانند که این فاجعه‌ای که طبقه حاکم بر ایران آفریده، ادامه خواهد داشت. راهی برای نجات از این مرگ تدریجی جز قیام علیه نظامی که این فاجعه را پدید آورده است وجود ندارد.

ارزان بودند و گاه رایگان اما چند وقت است که برای خرید دارو مبالغی حدود ۵۰۰ هزار تومان و بیشتر باید پرداخت کنیم. اگر هلال‌احمر قرص‌هایم را داشت که همین قیمت‌ها باید خریداری کنیم و اگر نبود باید از داروخانه‌های غیردولتی یا بازار آزاد به قیمت‌های میلیونی تهیه کنیم. بیماران سرطانی و خانواده‌های آن‌ها نیز می‌گویند، هم‌اینک به‌جز وین بلاستین آلمانی و مجارستانی، قیمت سایر داروهای شیمی‌درمانی در بازار آزاد و آنچه در دست دلال است، بسیار زیاد و حتی باورنکردنی است. بهای داروهای موردنیاز این بیماران در بازار آزاد بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون است. معلوم نیست که بیمار چگونه می‌تواند آن‌ها را تهیه کند.

گرانی‌ها همچنان ادامه دارد. هنوز اجرای طرح جدید گران کردن مجدد قیمت بنزین در پیش است. مقامات دولتی به روال معمول پی‌درپی خبر افزایش قریب‌الوقوع بنزین را تکذیب می‌کنند. وزیر نفت در تازمترین اظهارنظر خود در ۱۰ خرداد گفت: "شایعات در این مورد زیاد است تا فکر و افکار مردم را به هم بریزند؛ بارها اعلام‌شده که دولت هیچ برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارد.

وزیر نفت همچنین درباره تغییر میزان سهمیه‌های بنزین اضافه کرد: سهمیه‌ها تغییری نمی‌کند و مطابق گذشته خواهد بود."

اما گزارش‌هایی که از درون رژیم به بیرون درز کرده، حاکی است که تمام مقدمات اجرای این طرح از جهات مختلف حتی نظامی و امنیتی آماده شده است. دولت، تنها منتظر لحظه مناسب برای اجرای آن است و بهای بنزین بین ۸۰ تا ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج‌فارس قیمت‌گذاری خواهد شد.

اما با استناد به افزایش بهای کالاهایی که تا همین لحظه انجام‌گرفته و به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شد، روشن است که چشم‌انداز تیرموتاری در برابر مردم قرار دارد و تورم، افسارگسیخته به‌پیش می‌تازد.

مرکز آمار رژیم با تمام آمار قلابی‌اش اخیراً اعلام کرد قیمت مواد غذایی فروردین امسال به‌طور متوسط ۵ / ۷۸ درصد بیشتر از فروردین پارسال بوده است. پیش‌ازاین نیز سایت «اکو ایران»: از قول یک منبع مطلع در بانک مرکزی خبر داده بود که "نرخ تورم در فروردین امسال در مقایسه با فروردین‌ماه سال گذشته برابر با ۷ / ۶۸ درصد بوده و در

**رژیم جمهوری اسلامی را باید  
با یک اعتصاب عمومی سیاسی و  
قیام مسلحانه برانداخت**

## روایت ابتر و توام با دروغ مرتضوی زنجانی از زندان‌های دهه ۶۰

که دست به خودفروشی و آدم‌فروشی در زندان زده بودند. "تواب" نام جعلی "آدم‌فروشان" بود. اساساً جمهوری اسلامی چه چیزی در زندان داشت که یک زندانی باید بر گذشته خود لعنت می‌فرستاد و عاشق و شیفته جمهوری اسلامی می‌شد، آن هم در زندان؟! آیا از این مضحک‌تر هم می‌شود ادعایی مطرح کرد؟! از داستان‌های تخیلی در مورد گریه کردن دختران پس از دیدار با احسان طبری و دیگر روایت‌های جعلی.

در همان سال ۶۶ که مرتضوی ریاست زندان اوین را برعهده داشت، به‌خاطر گسترش مقاومت در زندان، فشارها بر زندانیان سیاسی به شدت افزایش یافت. در زندان اوین هواخوری به بهانه‌ی ورزش جمعی لغو شد، روزنامه و فروشگاه به بهانه‌ی دیگری قطع شدند. از همه سو فشار بر زندانیان افزایش یافت و تعداد قابل توجهی از زندانیان در زمستان ۶۶ به سلول‌های انفرادی "آسایشگاه" منتقل شدند.

در همین‌جا لازم است در ارتباط با مبارزه و مقاومت در زندان‌های دهه‌ی ۶۰ به دو نکته در سخنان مرتضوی اشاره کرد. مرتضوی به دوره‌ای از زندان اشاره دارد (سال ۶۳) که شرایط حاکم بر زندان‌ها تا حدودی تغییر کرده بود و هنگامی که به اعدام سراسری زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ می‌پردازد هدف از این کشتار را حل کردن مشکل زندان از زبان ابراهیم رئیسی توصیف کرد و گفت جمهوری اسلامی می‌خواست با قتل‌عام زندانیان سیاسی در واقع گروه‌های سیاسی مخالف نظم موجود را از فضای سیاسی جامعه حذف کند. این سخنان مرتضوی دقیقاً به مقاومت و مبارزه در زندان برمی‌گردد. به‌رغم تمام فشارها و شکنجه‌های جسمی و روحی بر زندانیان سیاسی که با بهره‌گیری از زندانیان بریده "تواب" همراه بود، زندانیان سیاسی با مقاومت و مبارزه خود، رژیم را در زندان‌ها مقهور ایستادگی خود کردند و رژیم نتوانست درصفاحه ۸

مرتضوی در کلاب‌هاوس به برخی حقایق اعتراف کرد که نه فقط برای زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و خانواده‌های‌شان، بلکه امروز بر عموم مردم ایران آشکار شده است و از این جهت هیچ حرف تازه‌ای نزد این در حالی‌ست که وی به‌عنوان رئیس زندان‌های اوین و گوهردشت از وقایع پشت‌پرده اطلاعات ناگفته و نشنیده‌ی زیادی دارد، اما او هرگز آن‌ها را به زبان نیاورد. آنچه که او از اعدام بی‌گناهان و تجاوز به زندانیان در زندان‌ها گفت، امروز همگان از جمله در جریان خیزش انقلابی اخیر که از شهریورماه آغاز شد، به روشنی دیدند. نه فقط مردم ایران که بسیاری از مردم در اقصا نقاط جهان نیز از این واقعیت اطلاع یافتند.

او به برخی حقایق اعتراف کرد تا تحریف‌ها و دروغ‌هایش را ببوشاند. تا ارزش حماسه‌ی مقاومت و مبارزه زندانیان را تقلیل دهد، و برخی از مقامات جمهوری اسلامی را از جنایات دهه‌ی ۶۰ مبرا سازد. او وقیحانه مدعی شد که شکنجه فقط در دوران بازجویی بود و در زندان (تحت مسئولیت وی) هیچ ضرب و شتمی نبود و اصلاً دیوارهای انفرادی‌ها را برداشت و شرایط را به گونه‌ای کرد که زندانیان فکر می‌کردند همین روزها آزاد می‌شوند. او وقیحانه بهره‌گیری از زندانیان بریده و خائن تحت نام جعلی "تواب" را توجیه کرد. گویی سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی جایی برای "توبه" گذاشته بودند، شرایط گل و بلبل را که او از آن یاد می‌کند هیچ زندانی سیاسی به یاد ندارد. زندانیان سیاسی دهه‌ی ۶۰ می‌دانند که تمام روزهای زندان شکنجه بود و کسانی که نام "تواب" را یدک می‌کشیدند، افرادی ترسو، بزدل و ناتوان در تحمل زندان بودند

است، می‌توان با اطمینان گفت که وی از همان ابتدا در زندان اوین مشغول به کار بوده است. خود او می‌گوید در سال ۶۰ دو هفته در اوین بود که رفت و پس از چند ماه این‌بار به‌عنوان "مسئول فرهنگی" زندان به اوین بازگشت.

همه‌ی زندانیان سیاسی آن دوره به خوبی می‌دانند که نام واقعی "مسئول فرهنگی" مسئول "دستگاه تفتیش عقاید" زندان است، دستگاهی که وظیفه داشت زندانیانی را که قادر به تحمل شرایط سخت زندان نبودند، به خدمت دستگاه زندان و شکنجه رژیم در بیاورد و از آن‌ها تحت عنوان بی‌مسمای "تواب" یک نگهبان و یک زندانبان بسازد. "مسئول فرهنگی" همچنین وظیفه بخشی از شکنجه روحی زندانیان سیاسی را داشت.

وی اوایل سال ۶۳ و یا اواخر ۶۲ جایگزین "صبیحی" اولین رئیس زندان گوهردشت شد. انتصاب او به‌عنوان رئیس زندان نشان می‌دهد که عملکرد وی به‌عنوان "مسئول فرهنگی" برای حکومت رضایت‌بخش بوده که او را به ریاست یکی از مهم‌ترین زندان‌ها و در واقع دومین زندان مهم جمهوری اسلامی - بعد از اوین - گماشتند. پس از چندی فکور از سربازجویان سال ۶۰ (شعبه‌ی هفت) مسئول زندان گوهردشت شد و مرتضوی مسئولیت زندان اوین را برعهده گرفت. بعد از تخلیه زندان قزل‌حصار از زندانیان سیاسی و آمدن "میثم" رئیس زندان قزل‌حصار به اوین، وی دوباره مسئولیت زندان گوهردشت را برعهده گرفت. پس از تصفیه هواداران منتظری در زندان از جمله میثم و دیگران همچون آخوند ناصری (نماینده منتظری در زندان اوین)، مرتضوی پادشاه وفاداری خود به خمینی را با گرفتن مسئولیت هر دو زندان مهم جمهوری اسلامی گرفت و تا سال ۶۷ به صورت رسمی این مسئولیت را برعهده داشت.

در جریان اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، اگرچه وی همچنان در زندان اوین حضور داشت، اما در بی‌دگاه‌هایی که هیات مرگ منصوب خمینی برگزار می‌کرد، در زندان اوین زمانی و در مرحله‌ی دوم مجتبی به‌عنوان مسئولین زندان حضوری پُر رنگ داشتند و در زندان گوهردشت ناصریان (مقیسه) و معاون وی حمید عباسی (نوری). بنابراین گفته‌های زنده‌ماندگان از کشتار جمعی زندانیان سیاسی در اوین، مرتضوی حتماً بعد از کشتار تابستان ۶۷ به سلول‌های انفرادی رفته و دستوراتی به نگهبانان می‌داد.





## روایت ابتر و توام با دروغ مرتضوی زنجانی از زندان‌های دهه ۶۰

مقاومت زندانیان را در هم بشکنند. بویژه از سال ۶۳ ما شاهد دوران جدیدی در فضای زندان هستیم که نتیجه همین مقاومت زندانیان و شکست رژیم در درهم شکستن مقاومت زندانیان بود. مقاومت و مبارزه در زندان روز به روز اوج می‌گرفت. اعتصاب غذاهای مکرر در زندان یک نمونه است. زندانیان ملی کش در سال ۶۶ در بند ۴ زندان اوین ۳ بار با خواست آزادی بی‌قیدوشرط و در محکومیت تقفیش عقاید دست به اعتصاب غذا زدند. بند ۳ آموزشگاه اوین در سال ۶۵ یک ماه دست به تحریم غذا زد. ورزش جمعی فراگیر شده بود. این مبارزه در تمامی بندها و زندان‌ها در حال گسترش بود و رژیم را زمین‌گیر کرده بود. زندانیان سیاسی در زندان، رژیم تا بن دندان مسلح را بر زمین کوبیده بودند و این را رژیم بویژه در شرایط بعد از جنگ ایران و عراق و تغییر فضای سیاسی جامعه نمی‌توانست تحمل کند. زندان می‌توانست به سبلی از مبارزه و مقاومت علیه رژیم تبدیل شود و زندانیان سیاسی از بالاترین روحیه مبارزاتی برخوردار بودند. برای همین تابستان ۶۷ بهترین و در واقع تنها موقعیت رژیم برای حل این معضل بود و از این‌رو دست به آن کشتار وحشیانه زد. سخنان مرتضوی همچنین تاییدی بر این موضوع بود که پیش از این نیز در نشریه کار بارها به‌عنوان دلیل کشتار سراسری زندانیان سیاسی بر آن تاکید شده بود.

او ادعاهای بسیاری کرد. از جمله وی گفت: "مرتضوی را هر چه قدر بخواهند با آب زمزم غسل بدهند و پاکش کنند پاک نمی‌شود، این را صریح می‌گویم، بنویسید. چرا؟ چون بالاخره ما قبول کردیم و این مسئولیت را داشتیم و زندانیان را نگه داشتیم، اگر چه در اجرای حکم‌شان دخیل نبودیم. ولی نگه داشتیم، من غلط می‌کردم، باید ترک می‌کردم آنجا را".

او نمی‌گوید با اعدام زندانیان سیاسی مخالف بوده، او می‌گوید که با اعدام زندانیان سیاسی که حکم گرفته‌اند مخالف بوده است. او می‌گوید میرحسین موسوی از اعدام‌ها خبر نداشته است. آیا کسی می‌تواند این ادعا را باور کند؟ این ادعا توهین به شعور مردم است. مگر می‌شود یکی از بالاترین مقامات دولتی از وضعیت زندان‌ها خبر نداشته باشد؟ آیا می‌شود یکی از بالاترین مقامات دولتی باشی اما از جنایت ده سال اول جمهوری اسلامی خبر نداشته باشی؟! مگر می‌شود کسی باور کند که افرادی مانند حسین

(احمدی) روحانی در زندان با سخنان امثال مرتضوی "ارشاد" شده و واقعیت جمهوری اسلامی را در زندان‌ها یافته باشند؟! همان‌طور که امروز همگان می‌دانند اعترافات تلویزیونی زندانیان سیاسی تماما دیکته شده از سوی بازجویان است و ذره‌ای از واقعیت در آن‌ها وجود ندارد از جمله به‌اصطلاح اعترافات تلویزیونی سه جوان سربردار اصفهانی مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی.

بنابراین به صراحت می‌توان گفت که او چیزی بر دانسته‌های مردم اضافه نکرد، تنها تلاش کرد با تایید برخی از واقعیت‌ها که بر همگان آشکار است، دروغ‌های بسیاری را در لابلای آن واقعیت‌ها به خورد مردم بدهد. اما چرا؟ چه ضرورتی او را به کلاب هوس آورد و هدف چه بود؟ در واقع اهمیت سخنان وی در کلاب هوس محدود به همان هدف از حضور مرتضوی است. ممکن است برخی بگویند که اعتراف وی به عنوان رئیس زندان‌های اوین و گوهرنشت مثلا در رابطه با نقش ابراهیم رئیسی در کشتار تابستان ۶۷ می‌تواند به سندی برای محاکمه این افراد در دادگاه‌های بین‌المللی شود. اما مساله این است که شرایط جمهوری اسلامی بسیار وخیم‌تر از آن است. شاید در دوران رکود مبارزاتی، چنین افشاگرایی‌هایی قابل استفاده بودند اما در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی با سرعت به پایان عمر خود نزدیک می‌شود، تاثیری ندارد.

سخنان او فقط سندی دیگری است از این که جمهوری اسلامی در تمام طول عمر ننگین خود همواره همین بوده است که ما امروز شاهدش هستیم و تمام کسانی که در خدمت این سیستم جنایتکار بودند، همگی مجرم و تبهکار هستند. این که امروز امثال مرتضوی به‌عنوان رئیس زندان به تجاوز به دختران پیش از اعدام اعتراف می‌کند، این‌که وی به برخی از جنایات رخ داده در زندان‌های جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند، نتیجه بحران انقلابی موجود و تشدید شکاف در میان طبقه حاکم است و همین مساله او را به کلاب هوس آورده است.

او می‌گوید می‌خواهد "قبل از مرگ اش این مسائل را بگوید"، او می‌گوید "می‌خواهد این حرف‌ها را بزند چرا که از موج دیگری از

اعدام‌ها در ایران احساس خطر می‌کند و می‌خواهد فریاد بزند تا جمهوری اسلامی دست از اعدام بردارد". او در حالی مدعی افشاگری می‌شود که نوک تیز حمله را به سمت جناح غالب حاکمیت گرفته و خودش و جناح سیاسی که به آن تعلق دارد را تطهیر می‌کند. او بویژه نوک تیز حمله را به سمت ابراهیم رئیسی و خامنه‌ای گرفت. در جریان اعدام‌های تابستان ۶۷ او نقش رئیسی را پُر رنگتر از دیگران می‌کند و در مورد خامنه‌ای نیز می‌گوید: "خامنه‌ای نمی‌فهمد دارد چه می‌کند و کشتن برایش مثل آب خوردن است". اما وقتی به موسوی می‌رسد او را از هرگونه اتهامی تبرئه می‌کند.

گرفتن نوک حمله به سمت خامنه‌ای و گماشته او، ابراهیم رئیسی، در واقع زیر ضرب گرفتن کسانی است که امروز حتی در میان بخشی از جناح "اصولگرایان" نیز هیچ محبوبیتی ندارند و برخی از آن‌ها خامنه‌ای و رئیسی را مسئول بحران کنونی می‌دانند، بحرانی که جمهوری اسلامی را در آستانه سقوط قرار داده است. سخنان وی در کلاب هوس نشان می‌دهد که بحران درونی هیات حاکمه و طبقه حاکم تا چه حد عمیق است و این‌که جناح‌های مختلف طبقه حاکم بیش از پیش به ناتوانی خامنه‌ای در حل بحران کنونی رسیده و به فکر چاره‌جویی برای نجات مناسبات حاکم افتاده‌اند.

سخنان وی نشان‌دهنده‌ی هر چه تنهاتر شدن جناح خامنه‌ای در میان طبقه حاکم است و این که بسیاری به ضرورت حذف خامنه‌ای و گماشته او از حکومت رسیده‌اند. این موضوع نقطه مشترک بسیاری از جریان‌ات اپوزیسیون بورژوازی داخلی و خارجی از کشور است، از آن‌ها که "شورای گذار" تخیلی خود را با حضور فرماندهان ارتش و سپاه و برخی از مقامات سابق و فعلی حکومت مطرح می‌کنند تا "اصلاح‌طلبانی" همچون موسوی که از حکومت اسلامی عبور کرده و معتقدند جمهوری اسلامی به شکل کنونی دیگر قابل دوام نیست. بنابراین سخنان مرتضوی در کلاب هوس نتیجه شرایط واقعی جامعه (بحران انقلابی)، جمهوری اسلامی و بحران درونی طبقه حاکم در ایران است. شرایطی که دور راه حل دارد یا یک انقلاب مناسبات کهنه را زیر و رو می‌کند و نظمی نوین را برقرار می‌سازد یا طبقه حاکم از بالای سر توده‌ها، دست به عمل می‌زند و با تغییر هیات حاکمه، برای مدتی راه حل انقلابی بحران را به تأخیر می‌اندازد.

**زنده باد سوسیالیسم**



## "چه دار باشه چه زندان، ایستاده ایم تا پایان"

بین المللی در اعتراض به اعدام های موجود، طی هفته های اخیر یک سری اعتراضات خیابانی قابل توجه برای لغو مجازات اعدام در داخل کشور هم شکل گرفته است. اعتراضاتی که به صورت میدانی مادیت پیدا کرده و قدر مسلم تداوم و گسترش اینگونه اعتراضات خیابانی می تواند نوید بخش فرا رویدن یک جنبش سراسری ضد اعدام در جامعه باشد. اگرچه نطفه های جنبش علیه اعدام، پیش از این در دیماه سال گذشته برای جلوگیری از اجرای اعدام محمد قبادلو و محمد بروغنی در جلوی زندان گوهر دشت شکل گرفت، اما این حرکت اعتراضی در روزهای پیش از اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی - سه تن از بازداشت شدگان خانه اصفهان- با تجمع وسیع مردم در جلوی زندان دستگرد اصفهان شکل عمومی تری به خود گرفت. تظاهرات خیابانی در پاره ای از شهرهای کشور، فراخوان های مختلف علیه اعدام، تجمع های اعتراضی خانواده ها در جلوی زندان های قزل حصار و گوهردشت کرج و دستگرد اصفهان، و مهمتر از همه اعتصاب سراسری هفته پیش کسبه بازار و مردم سمیرم برای پیشگیری از صدور حکم اعدام برای تعدادی از بازداشت شدگان این شهر، از جمله مواردی هستند که امید به شکل گیری و سازماندهی یک جنبش سراسری علیه اعدام را در درون کشور افزایش داده است.

جنبشی میدانی و در خور تقدیر که اکنون از واکنش به صدور و اجرای حکم اعدام برای معترضان خیابانی و جوانان انقلابی فراتر رفته و عملاً علیه کلیت اعدام در جمهوری اسلامی مستننا از اینکه احکام صادره بر پایه چه اتهامی باشد، مادیت یافته است. چراکه مخالفت با اعدام و سازماندهی جنبش ضد اعدام، زمانی می تواند کارساز و موثر باشد که در گستره ای وسیع کلیت مقوله اعدام را جدای از طرح اتهامی مورد نظر جمهوری اسلامی شامل شود.

ضرورت مبارزه برای لغو اعدام در ایران، از آن جهت حائز اهمیت است که هم اینک تعداد پرشماری از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی با طرح اتهامات مختلفی از قبیل "محاربه"، "افساد فی الارض"، "اخلال در امنیت کشور" و نیز از جرائمی همچون قتل و مواد مخدر را که اعترافات شان عموماً زیر شکنجه اخذ شده اند، با خطر صدور حکم و یا اجرای حکم اعدام مواجه اند.

مهدی محمدی فرد از نوشهر و جواد روحی از آمل که هر دو جزو بازداشت شدگان جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" هستند، طی ماه های گذشته با طرح اتهامی "محاربه" و "افساد فی العرض" در بیدادگاه های جمهوری اسلامی در مازندران حکم اعدام گرفته اند و اکنون در روزشمار اجرای حکم خود هستند. ماهان صدرات مدنی، سامان یاسین، محمد قبادلو، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی، محمد بروغنی، ابوالفضل مهری، حسین حاجی لو، منوچهر مهمان نواز و سهند نورمحمدزاده از جمله دیگر

بازداشت شدگان ماه های گذشته هستند که با خطر صدور حکم اعدام مواجه اند. علاوه بر موارد یاد شده، بیش از ده نفر از زندانیان سیاسی عرب و بلوچ نیز در بیدادگاه های جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده اند و چه بسا تعداد دیگری از مجموع بازداشت شدگان جنبش انقلابی نیمه دوم سال ۱۴۰۱ هم در معرض صدور حکم اعدام باشند.

از این تعداد از زندانیان سیاسی محکوم به اعدام که بگذریم، هم اینک تعداد پرشماری از زندانیان متهم به جرائم مواد مخدر در صف اول منتظران اجرای حکم اعدام هستند. متهمانی که طبق گزارش عفو بین الملل، اغلب در پی تحقیقاتی "ناموفق" و زیر "شکنجه" صورت می گیرد، که پلیس مواد مخدر و سایر سرویس های امنیتی رژیم جهت محکومیت آنان به دادگاه ارائه می دهند. محاکمه برای چنین جرایمی نیز طبق روال جمهوری اسلامی به طور ثابت در "دادگاه انقلاب" برگزار می شود و ناگفته پیداست که احکام صادره در این دادگاه های به اصطلاح انقلاب نیز همواره "ناعدالانه" است. چون از یکسو متهمان از کمک وکیل بی بهره اند و از سوی دیگر به واسطه شکنجه از آنان اعتراف گرفته می شود که بعداً از همان اعترافات اجباری زیر شکنجه در روند بیدادگاه های فرمایشی جمهوری اسلامی بر ضدشان استفاده می شود.

طبق گزارش عفو بین الملل و نیز مستندات برگرفته از واقعیت های زندگی مشقت بار اغلب متهمان جرائم مرتبط به مواد مخدر، آنچه باعث کشیدن شدن انبوه جوانان در مسیر حمل مواد مخدر و یا خرید و فروش آن می شود، همانا، بیکاری، فقر و نداشتن کمترین روزنه امید ی به کاربایی برای امرار معاش است. وضعیتی نابسامان و غیر قابل تحمل که هیئت حاکمه ایران در ۴۴ سال گذشته بر عموم توده های مردم ایران تحمیل کرده است.

جمهوری اسلامی و "برادران قاچاقچی" سپاه پاسداران که مافیای مواد مخدر در ایران هستند، از یک طرف فقر و بیکاری و گرسنگی را بر کل جامعه تحمیل کرده اند، و از سوی دیگر با مدیریت توزیع کلان مواد مخدر در سراسر کشور، بخصوص در مناطق محروم مرزی و فقیر نشین، زمینه را برای توزیع و خرید و فروش مواد مخدر در میان جوانان بیکار و تهی دست و محروم از حداقل امکانات زندگی فراهم

کرده اند. بخش زیادی از اعدامیان مواد مخدر، همین جوانان بیکار و بی آینده ای هستند که از سر فقر و ناداری و بیکاری و گرسنگی، به سمت توزیع و خرید و فروش مواد مخدر کشیده می شوند. جوانانی که با وجود آگاهی از خطر زندان و اعدام، به ناچار و برای امرار معاش در این مسیر پر خطر گام بر می دارند و اغلب هم پس از دستگیری به اعدام محکوم می شوند. پدیده ای که در منطقه فقیر نشین سیستان و بلوچستان بسیار سهل تر و مرسوم تر از سایر نقاط ایران رواج دارد. تا جاییکه مردم محروم بلوچ به رغم اینکه ۳ درصد از کل جمعیت ایران را تشکیل می دهند، اما حدود ۲۰ درصد از "اعدام شدگان ثبت شده" در ایران فقط به مردم این منطقه تعلق دارد. تشدید صدور احکام اعدام و اجرای آن در جامعه عملاً وضعیتی را ایجاد کرده است که خانواده ها و در گستره ای وسیعتر توده های مردم ایران به سمت مبارزه برای لغو اعدام ترغیب شده اند. مبارزه ای در خور تحسین که اگر در پیوند با مبارزات عمومی توده های مردم ایران برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی قرار نگیرد، هرگز نتیجه مطلوب و درخور انتظار را نخواهد داشت.

گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام، آنهم در شرایط فعلی که جامعه انقلابی ایران آبستن توفان های سهمگین است، بسیار حائز اهمیت است. کشتی جمهوری اسلامی از جمع جبهات به گل نشسته است. چهره کریمه فقر و بیکاری و گرسنگی بر سفره مردم نقش بسته است. گرانی بیداد می کند و ادامه زندگی به روال کنونی برای عموم توده های مردم ایران مدت هاست که ناممکن شده است. هیئت حاکمه ایران نیز به دلیل شکست سیاست هایش در تمامی عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، دیگر قادر به ادامه حیات به روال گذشته نیست. جمهوری اسلامی رفتنی است و اعدام و سرکوب و کشتار نیز کمکی به بقای آن نخواهد کرد. چرا که در موقعیت انقلابی شکل گرفته در جامعه، توده های مردم ایران از دیوار سرکوب عبور کرده اند. در مقابل اعدام های جاری، مستننا از اینکه با چه اتهامی باشد به مبارزه برخاسته اند و این از جنبه های مثبت و در خود تحسین جنبش نوپای مبارزه برای لغو اعدام در ایران است. جنبشی که از پشتوانه نیروهای ضد اعدام در خارج کشور هم برخوردار است. جنبشی انقلابی و رو به گسترش که با شعار "چه دار باشه چه زندان، ایستاده ایم تا پایان"، برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام در کلیت آن پا به عرصه وجود گذاشته و یقیناً در ابعاد گسترده تری ادامه خواهد یافت.



## "چه دار باشه چه زندان، ایستاده ایم تا پایان"

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1023 June 2023

رئیس دستگاه قضایی جمهوری اسلامی تحت عنوان "رعایت کامل موازین قانونی و عدل و انصاف" آشنایی دارند. در فرهنگ آدمگشان جمهوری اسلامی، رعایت موازین قانونی، یعنی عدم دسترسی متهم به وکیل انتخابی، اعتراف گیری اجباری زیر شکنجه های مرگ آور، نگه داشتن بازداشت شدگان برای ماه های طولانی در سلول های انفرادی، محروم کردن زندانی از دیدار با خانواده، و رعایت "عدل و انصاف" نیز یعنی قضاوت بیدادگاه های جمهوری اسلامی بر اساس همان مستندات واهی گرفته شده از زندانیان در زیر شکنجه و بی توجهی عامدانه قاضی پرونده نسبت به گفته های متهم در دادگاه مبنی بر اینکه تمامی اعترافات موجود در پرونده را برای رهایی از ادامه شکنجه های وحشیانه بازجویان اقرار کرده است. لذا، بر هیچ کسی پوشیده نیست که اعترافات اجباری و اقرار زیر شکنجه بازجویان آدمگش در هر دادگاهی فاقد هرگونه سندیت و وجاهت قضایی است، مگر در جمهوری اسلامی که تمامی احکام دادگاه های آن با اتکا بر همان اقرار زیر شکنجه و ادعاهای بازجویان پرونده صادر می شوند.

تاکید رئیس قصابخانه آدمگشی جمهوری اسلامی بر اجرای حکم اعدام معترضان بازداشت شده در شرایطی بیان شده است که علاوه بر فشارهای

درفصحه ۹

اقتصادی نمی توانند از وکلای مستقل برای دفاع از این حقوق بهره ببرند.

حال در چنین وضعیتی که "جنون اعدام" و قتل و آدمگشی توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بی وقفه ادامه دارد، عطش جمهوری اسلامی از این همه اعدام و کشتار فروکش نکرده و محسنی ازه ای، این عنصر جنایتکار رژیم، مجدداً به شکل جنون آمیزی بر تسریع روند اعدام ها در ایران تاکید کرده است. محسنی ازه ای، رئیس قصابخانه آدم گشی جمهوری اسلامی، روز سه شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲، طی سخنانی در دفاع از عملکرد جنایتکارانه دستگاه قضایی گفت: انهایی که در اعتراضات ماه های گذشته دستگیر شده اند و "به واسطه اعمال شان باید اعدام شوند"، "بدون مجامله [تعارف] و البته در عین رعایت کامل موازین قانونی و عدل و انصاف، حکمشان اجرا شده و یا خواهد شد".

آنچه را که جلاذ جمهوری اسلامی تحت عنوان "رعایت کامل موازین قانونی و عدل و انصاف" در صدور حکم اعدام بیان کرده است، از جمله لاطناتی است که صرفاً برای سرپوش نهادن بر جنایت های رژیم مبنی بر بی قانونی و بی حقوقی محض زندانیان در صدور حکم اعدام بیان شده است. بی تردید عموم توده های مردم ایران بر اساس تجربه ای که طی ۴۴ سال گذشته کسب کرده اند، به طور عینی با کلیدواژه های



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

## تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

## بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی